

معنا شناسی و شبکه ی معنایی واژگان هم ارز مهریه در قرآن کریم و معصومین علیهم السلام

فاطمه فتحی^۱، سهیلا پرستگاری^۲، محمدحسین احمدی^۳، محمد مهدی کریمی نیا^۴

^۱ دانشجوی دکتری ادبیات عرب، دانشگاه آزاد فلاورجان، استان اصفهان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی (نویسنده مسئول)

^۲، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی فلاورجان، استان اصفهان، ایران

^۳ طلبه سطح چهار رشته فقه و اصول، حوزه علمیه قم، دانش آموخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره قم

^۴ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

چکیده

قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و اخلاقی، دستوراتی را آورده که نه تنها در عصر خود، که در اعصار بعدی نیز کار آمد بوده است. از جمله این امور، بحث مهریه است که فرامین و دستورات قرآنی مؤید آن است. قرآن کریم و احادیث برای زنان، اعتباری را رقم زده اند که فراتر از آن متصور نیست. روش تحقیق در این پژوهش نقلی - قرآنی، با رویکرد تحلیلی - توصیفی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می باشد. نتیجه: از جمله حقوقی که در اسلام برای زنان مقرر شده مهریه می باشد که در آیات قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام هست. در باره اینکه مهریه حق زن می باشد و به خود او تعلق دارد نه به دیگری، روایات نشان می دهند که پیغمبر اکرم (ص) به هیچ وجه حاضر نبود زنی را بدون مهر در اختیار مردی قرار دهد و روایات فراوانی در این زمینه از پیشوایان دینی به ما رسیده که همه اینها موید این مطلب است که اسلام ارزش خاصی برای زن قائل است. اسلام بر خلاف بی عدالتی های ملل و اقوام دیگر، همه گونه ارزش و شخصیت و آزادی و حقوق انسانی را برای زن ها قائل شده به طوری که هیچ آئین و ملتی در هیچ دوره از ادوار زندگی مانند دین مبین اسلام آن را مراعات نکرده است. از آن جا که زنان در خانواده دارای نقش ویژه ای هستند، تسهیلات ویژه جهت ایفای این نقش برای آنان در نظر گرفته شده است. در این مقاله سعی بر این شده ضمن بررسی بحث مهریه، از منظر قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام واژگان هم ارز آن هم بررسی شود.

واژه های کلیدی: مهریه، صداق، مهرالمثل، حقوق زن

مقدمه

معناشناسی شناختی قرآن به یک معنا، تلاش برای دست یافتن به شناخت این کتاب آسمانی است. بنابراین، معناشناسی شناختی قرآن وظیفه ای بسیار سنگین بر عهده دارد و باید از تحلیل تعبیر قرآنی به اصول حاکم بر مفهوم سازی آن دست بیابیم. معناشناسی با تفسیر قرآن یکی نیست، در تفسیر تلاش می کنیم تا معانی آیات و مفهوم آنها را بفهمیم، ولی در معناشناسی قرآن می خواهیم اصول کلی حاکم بر معانی آیات را بیابیم. در واقع، معناشناسی، نگاهی کلی تر به معانی آیات دارد و تفسیر به طور موردی معانی آیات را بررسی می کند.

معناشناسی، بخشی مهم از مبانی تفسیر را بررسی می کند و می تواند با طرح مبانی جدید، در خود تفسیر هم تحول ایجاد کند. از جمله بایسته های دین مبین اسلام، استنطاق از قرآن کریم و طرح پرسش از این کتاب آسمانی است. در این میان آنچه مهم است، چگونگی مواجهه با این کتاب و روش تحقیق مناسب جهت استخراج موضوعات و مفاهیم کاربردی است. بویژه اگر این مفاهیم در حوزه های میان رشته ای بوده و در کتب تخصصی حوزه علوم قرآن و حدیث نتوان به سهولت و مستقیم بدانها دسترسی پیدا کرد. در قرآن کریم و روایات حقوق زنان را در عرصه خانواده و اجتماع ارتقا داده و آن را سامان بخشیده، از جمله این حقوق، حقوق مالی آنان در امر ازدواج است خداوند در آیات شریفه به حقوق مالی زن اشاره کرده و از همسران خواستار پرداخت مهریه زنان می باشد.

با توجه به بحث معناشناسی شناختی، تعبیری که قرآن از مهریه نموده صدق است، صدق بی شک ضمن آن که بار حقوقی دارد، پایه ای کاملاً اخلاقی نیز دارد، زیرا موید صداقت و ابراز وفاداری زوج در برابر زوجه است، که آن را به عنوان هدیه و پیشکش به زن تقدیم می کند و این عطیه و پیشکش در واقع نشانه ای از صداقت مرد نسبت به زن است. قرآن کریم و روایات ائمه، مهریه را به عنوان پشتوانه ی محکم حقوق اجتماعی زن که حق مسلم او بوده، تبیین کرده است در حالی که در عصر جاهلیت هیچگونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند.

لذا قرآن کریم رسوم جاهلیت را در باره مهریه منسوخ کرد و آن را به حالت اولی و طبیعی برگردانید. در کل می توان گفت که مهریه از دیدگاه قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام اینست: مهریه وسیله ای برای لذت بخش نمودن زندگی و عامل قوی برای الفت بین زن و شوهر است؛ از سوی دیگر، مهریه اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد و اثبات پایداری و علاقه مرد به اتحاد با زن مقرر گردیده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. معنای لغوی مهریه

مهر بر وزن شهر مال معینی است که به هنگام عقد نکاح برابر ضوابط شرع و رسم زوج به زوجه می دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می گیرد. مهر کلمه ایست عربی و لغات هم ارز دیگر و مترادف آن در عربی صدق، نحله، فریضه، عقر و اجر می باشد.

۱-۲. معنای اصطلاحی مهریه

مهر در اصطلاح مالی است که زوج به مناسبت عقد نکاح ملزم به ایفای آن به زوجه می گردد. مهریه عندالمطالبه است یعنی به محض انعقاد عقد ازدواج، زوجه مالک مهریه می شود.

۱-۳. تاریخچه مهریه

۱-۳-۱. مهریه در ادوار تاریخ

در ادوار ماقبل تاریخ که بشر به حالت توحش می زیسته و زندگی شکل قبیله ای داشته، مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف نبوده و فرزند را به عنوان فرزند همسر خود می شناخته، بنابراین مرد به عنوان طفیلی زن زندگی می کرده و خدمتکار

زن بوده است در این دوره زن بر مرد حکومت می کرده است. بعد از مدتی که مرد به نقش خویش در تولید فرزند واقف شد و خود را صاحب اصلی فرزند شناخت از این وقت زن را تابع خود ساخت و حکومت به دست مرد افتاد در این مرحله چون همواره حالت جنگ و تصادم میان قبائل حکمفرما بود، برای انتخاب همسر، مرد دختر مورد نظر را از قبیله دیگر می ربوده است، در مرحله سوم تدریجاً مرد برای اینکه زن را به چنگ آورد به خانه پدر زن می رفته و سال ها برای او کار می کرده است و در مرحله چهارم ثروت زیاد شد و مرد بجای اینکه سالها برای پدر عروس کار کند مبلغی به عنوان «پیشکش» تقدیم پدر زن می کرده است و رسم مهریه از اینجا ناشی شده است.

۲-۳-۱. مهریه در اسلام

برخی از محققان دینی پیدایش مهر را به زمان خلقت آدم و حوا نسبت داده و گفته اند: اولین کابینی که برای مبدا نسل کنونی بشر یعنی نکاح آدم و حوا معین شد، آموزش احکام و حکم الهی بود چنانکه طبق حدیث زراره، خداوند به حضرت آدم فرمود:

«رِضَايَ أَنْ تَعْلِمَهَا مَعَالِمَ دِينِي فَقَالَ ذَلِكَ لَكَ يَا رَبِّ، (کاظمی خلخالی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۲۶)؛

رضای من آنست که معارف دین مرا به او بیاموزی، آدم گفت قبول کردم».

مهریه در زمان جاهلیت و قبل از رسالت نبی اکرم (ص) به شکل های گوناگونی رایج بود، قرآن در باب مهریه، به طور کلی این رسم را منسوخ نکرد بلکه رسوم و قوانین جاهلیت را عوض کرد و مهر را به حالت فطری آن برگرداند. برخی از آیات و روایات وجوب مهریه و ویژگی های آن را تصریح نموده است. از جمله این آیه:

«وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً، (نساء: ۴)؛

صداق های زنان را به عنوان بخشش پرداخت نمایند».

۲. انواع مهریه

با تحقیق در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام می توان مهریه را به مهر المسمی، مهر المثل، مهر المتعه، مهر السنه، نکاح مفوضه المهر و نکاح مفوضه البضع تقسیم کرد.

۲-۱. مهر المسمی

منظور از مهر المسمی، مهری است که طرفین عقد نکاح یعنی زن و شوهر در مقدار و نوع آن توافق نموده و میزان آن را مشخص کرده اند. مهری را که ضمن عقد یا پس از آن به تراضی طرفین معین می شود در اصطلاح «مهر المسمی» می نامند.

۲-۲. مهر المثل

مهر المثل به مهری گفته می شود که مقدار آن با رعایت «حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقران و اقارب و همچنین معمول محل وغیره در نظر گرفته شود». بنابراین میزان مهر المثل بر حسب حال زن و داوری عرف معین می شود.

۲-۲-۱. موارد استحقاق مهر المثل برای زوجه

الف - در صورتی که ضمن عقد سخنی از مهر گفته نشود یا عدم استحقاق زن در گرفتن مهر شرط شده باشد، پس از وقوع نزدیکی زن استحقاق مهر المثل را دارد.

ب- در صورتی که تراضی در باره مهرالمسمی به جهتی باطل باشد و برای مهر نتوان مثل یا قیمتی معین کرد، مانند موردی که مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد، یا به علت اشتباه و سوء تفاهم در مفاد پیشنهادها تراضی محقق نشود و در اینصورت نیز زن مهرالمثل را میگیرد، منتها استحقاق گرفتن این مهرالمثل منوط به وقوع نزدیکی نیست.

ج- در موردی که نکاح باطل است، ولی زن از فساد آن اطلاع ندارد و در اثر جهل به حکم یا موضوع عقد، آن را درست می پنداشته است، در این حالت اگر نزدیکی واقع شده باشد، زن استحقاق گرفتن مهرالمثل را دارد.

۳-۲ مهر المتعه

منظور از مهر المتعه مهری است که با توجه به حال مرد از حیث غنا و فقر، تعیین می شود. هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهر المتعه است.

۴-۲ مهر السنه

مهر السنه، پانصد درهم است که برابر پنجاه دینار و هر دینار برابر یک مثقال شرعی طلاست و علت اینکه این مبلغ را مهر السنه گویند این است که پیغمبر اکرم (ص) این مبلغ را مهریه زنان خود قرار داده اند.

۵-۲ نکاح مفوضه المهر

هر گاه در عقد نکاح تعیین میزان مهر به یکی از زوجین یا دیگری واگذار شود، زنی را که بدین گونه شوهر کرده است در اصطلاح مفوضه المهر می نامند، به این اعتبار که زن اختیار تعیین مهر را به دیگری تفویض کرده است.

الف - مفوضه البضع

هر گاه مهریه در ضمن عقد به طور کلی ذکر نشده باشد چنین زوجه ای را «مفوضه البضع» گویند. در این مورد طرفین می توانند بعد از انجام عقد نکاح مهریه را با توافق یکدیگر معین کنند که در این صورت مهر معین شده مهر المسمی خواهد بود. در چنین مواردی، هر گاه قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی جدائی به علت فوت اتفاق افتد زن مستحق هیچ چیز نخواهد بود و اگر جدائی به علت طلاق اتفاق افتد زن مستحق مهر المتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

۳. مهر در قرآن

در قرآن مجید واژه مهر به کار نرفته است بلکه از لغات معادل آن (صداق، نحله، فریضه) استفاده شده است. به چند نمونه از آیات مهر در قرآن اشاره می شود:

«وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً، (نساء: آیه ۴)؛

صداق های زنان را به عنوان بخشش پرداخت نمائید».

صدقات جمع صدقه (به ضم دال و فتح قاف) یعنی صداق (به فتح و یا کسر صاد) که جمع آن اصدقه و صدق است از آن جهت کابین را صداق گویند که نشانه صادقانه بودن علاقه مرد است، (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۹). یا به خاطر آن که نشانه صدق ایمان است. (راغب، ۱۴۱۶ق، ص ۲۵۰).

نحله (به کسر نون) یعنی بخشش از روی طیب نفس و رضایت خاطر و به کار رفتن این واژه از آن جهت است که مهر جنبه اهدائی و پیشکشی و عطیه و هدیه دارد. خداوند در این آیه شریفه به مهریه زن اشاره می کند و از همسران خواستار پرداخت

مهریه به زنان را می باشد. قرآن با این بیان زیبا، مردان را دعوت کرده که بدون رنجش و با کمال آرامش مهریه آنان را بپردازند.

«وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ، (بقره: آیه ۲۳۷)؛

هر گاه زنان را قبل از همبستری طلاق دادید نیمی از مهر آنان را پرداخت کنید».

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ، (نساء: آیه ۲۴)؛

از زنان که استمتاع می برید اجر (مهریه) آنان را پرداخت کنید».

«وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا، (نساء: آیه ۲۰)؛

اگر اندازه پر یک پوست شتر مهریه زن پرداخته اید حق ندارید چیزی از او باز پس بگیرید».

۴. مهریه در روایات

«عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ جَحَدَ مَهْرًا أَوْ اِغْتَصَبَ أُجِيرًا أَوْ بَاعَ رَجُلًا حُرًّا، (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۱۲۹)؛

پیامبر اکرم (ص) فرمود: بدرستی که خداوند متعال هر گناهی را می آمرزد مگر گناه کسی که مهریه زن را انکار کند».

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّرَاقُ ثَلَاثَةٌ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَجِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَ كَذَلِكَ مِنْ اسْتِدَانٍ وَ لَمْ يَنْوَ قَضَاءَهُ، (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۱۰۳، ص ۱۰۳)؛

امام صادق (ع) فرمود: سرقت سه نوع است: یک نوع آن، این است که مردی مهریه زن را بر خودش حلال بداند».

«قال رسول الله (ص): مَنْ ظَلَمَ امْرَأَةً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدِي زَوَّجْتُكَ أُمَّتِي عَلَى عَهْدِي فَلَمْ تَفِ بِعَهْدِي وَ ظَلَمْتَ أُمَّتِي، (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۳۳۳)؛

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که در مورد مهریه همسرش به او ظلم و ستم کند، این شخص نزد خداوند زنا کار محسوب می شود و خداوند در روز قیامت به او می گوید: بنده من، بنا بر پیمان و عهد من با همسرت ازدواج کردی ولی به عهد و پیمان من وفا نکردی و به بنده ام ظلم نمودی. بعد از آن کارهای نیک مرد گرفته می شود و به زن داده می شود البته به اندازه حق زن و اگر برای آن مرد حسنه ای باقی نباشد، دستور داده می شود تا او را به سبب شکستن عهدهش در آتش بیافکنند، چون عهد و پیمان مورد سؤال واقع می شود».

امام باقر (ع) فرمود: گروهی نزد امام حسین (ع) رفته و گفتند: ای فرزند رسول خدا، در منزل تو چیزهایی می بینیم که پسندیده نیست (در منزل قالیچه و ناز بالش های کوچک بود) آن حضرت فرمود: ما زمانی که ازدواج می کنیم مهریه زنان خود را به آنها می دهیم و آنها با مهریه خود چیزهایی که مایل هستند می خرند و آن چیزها متعلق به ما نمی باشد، (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۲۷۲؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص ۳۶۴).

۵. مقدار و نوع مهریه در فقه

۵-۱. مهریه مادی

در ارتباط با میزان مهریه آیات و روایات، مقدار آن را مشخص نکرده است و توافق و رضایت طرفین را معیار مقبولیت آن دانسته است. صاحب جواهر الکلام در حدیثی از امام صادق (ع) آورده است:

«الْصَّدَاقُ كُلُّ شَيْءٍ تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ قَلَّ أَوْ كَثُرَ فِي مُتَعَةٍ أَوْ تَزْوِيجٍ غَيْرِ مُتَعَةٍ» (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۳۱، ص ۳)؛

یعنی مهر همان مقدار است که طرفین عقد بدان راضی شوند چه کم و چه زیاد.

در باره تعیین میزان مهریه در قرآن چنین آمده:

«فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: آیه ۲۴)؛

یعنی چون از ایشان به صورت متعدد برخوردار شوید مهرهایشان را که معین است بپردازید.

پس مشاهده می کنیم که آیه تصریح به پرداخت مهریه نموده اما اشاره به کیفیت مقدار آن ننموده است اما در لسان روایات تاکید بر قلت میزان مهریه شده است. شیخ صدوق در حدیثی به نقل از جعفر بن محمد از پیامبر (ص) آورده است که:

«أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷، حدیث ۲۵)؛

یعنی بهترین زنان امت من زیباترین و کم مهرترین آنان هستند.

در خصوص مقدار مهر در فقه امامیه دو نظر وجود دارد، بعضی معتقدند که مهر نباید از پانصد درهم، معادل پنجاه دینار، تجاوز نماید و چنانچه بیش از آن مقرر گردد به همین مقدار برگشت خواهد کرد. این مقدار را اصطلاحاً «مهر السنه» نامیده اند، به آن جهت که رسول الله (ص) تمامی همسران خویش را به همین مقدار کابین بست.

اما مشهور فقها معتقدند که مقدار مهریه از نظر کمی و زیادی محدودیتی ندارد، تنها از ناحیه کمی بایستی چیزی باشد که مالیت داشته و قابل تملک بوده باشد، (شهیدثانی، ۱۹۹۲ م، ج ۲، ص ۱۰۰). و در این باب به آیه زیر استناد کرده اند:

«وَأَتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا» (نساء: آیه ۲۰)؛

و مال فراوانی به آنان داده باشید.

قنطار به کسر قاف، به معنای مال عظیم است و در قاموس، قنطار را معادل ده ها هزار دینار طلا دانسته و در المنجد، آن را عبارت از وزنی دانسته که مقدار ثابتی ندارد و به تحول ایام متغیر می شود. فقها با استدلال به آیه فوق گفته اند که مهر از جهت زیادی حد معینی ندارد ولی اضافه کرده اند که قرارداد بیش از اندازه مذکور (یعنی همان مهر السنه) مکروه و ناپسند است.

راوی گوید: حضرت جواد (ع) هنگام ازدواج با ام الفضل دختر مامون، مهریه او را به میزان مهریه جده اش فاطمه (ع)، پانصد دینار قرار داد، (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۰، ص ۷۶).

اما در رابطه با کیفیت مهریه در کتب فقهی چنین آمده که: «هر چیز قابل تملکی را چه عین باشد چه منفعت، مانند آموزش حرفه و یا سوره ای از قرآن می توان مهر قرار داد». بنابراین مهریه باید قابل تملک باشد.

۵-۲. مهریه معنوی

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ زَوَّجْنِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ لِيَهْدِيهِ الْمَرْأَةَ فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوَّجْنِيهَا فَقَالَ مَا تُعْطِيهَا فَقَالَ مَا لِي شَيْءٌ فَقَالَ لَا فَأَعَادَتْ فَأَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْكَلَامَ فَلَمْ يَقُمْ غَيْرُ الرَّجُلِ أَحَدٌ ثُمَّ أَعَادَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ تُحْسِنُ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْئًا فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ زَوَّجْتُكَهَا عَلَى مَا تُحْسِنُ مِنَ الْقُرْآنِ أَنْ تُعَلِّمَهَا إِيَّاهُ، (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۲۴۲؛ طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص ۳۵۴)؛

امام باقر (ع) فرمود: زنی نزد پیامبر (ص) آمده گفت: مرا شوهر بده. پیامبر رو به اصحاب کرده فرمود: چه کسی مایل است با این خانم ازدواج نماید؟ مردی بر خاست و گفت: ای رسول خدا (ص) من با او ازدواج می کنم. آن حضرت پرسید: مهریه او را چه قرار می دهی؟ او گفت: من چیزی ندارم. آن حضرت فرمود: پس نمی توانی با او ازدواج کنی. آن زن تقاضای خود را برای ازدواج تکرار کرد. پیامبر (ص) نیز رو به اصحاب نمود و سخن سابق خود را تکرار کرد این دفعه نیز کسی جز همان مرد موافقت خود را در ازدواج با آن زن اعلام نکرد. پیامبر (ص) نیز پس از سؤال مجدد و شنیدن جواب تکراری، تقاضای مرد را رد نمود. در مرتبه سوم که زن و مرد سخن خود را تکرار نمودند، حضرت از آن مرد سؤال نمود: آیا قرآن را به نکوئی می دانی؟ او گفت: بله، آن حضرت فرمود: پس این زن را به عقد ازدواج تو در آوردم و مهریه اش را آموزش قرآن قرار دادم.

«كَانَ خَادِمَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا زَوَّجَ الْمَأْمُونُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَتَهُ كَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ لِكُلِّ زَوْجَةٍ صَدَاقًا مِنْ مَالِ زَوْجِهَا وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ أَمْوَالَنَا فِي الْآخِرَةِ مُؤَجَّلَةً لَنَا فَكُنْزُهَا هُنَاكَ كَمَا جَعَلَ أَمْوَالَكُمْ فِي الدُّنْيَا مُعْجَلَةً لَكُمْ فَكُنْزُتُمُوهَا هُنَا وَقَدْ أَمَهَرْتُ ابْنَتَكَ الْوَسَائِلَ إِلَى الْمَسَائِلِ وَهِيَ مُنَاجَاةٌ دَفَعَهَا إِلَيَّ أَبِي؛

خادم امام رضا (ع) گوید: وقتی مامون دخترش را به همسری امام جواد (ع) در آورد، امام جواد (ع) به مامون نوشت که هر زنی مهریه ای از مال شوهرش دارد و خداوند اموالی را برای ما در آخرت قرار داده که آن را برای ما به تاخیر انداخته و ما آن را در آنجا ذخیره کرده ایم، همان گونه که برای شما در دنیا اموالی زودتر داده و شما آن را در دنیا ذخیره کرده اید. من به دخترت با وسیله هایی که به مسائلی دست یابد، مهریه دادم و آن مناجاتی است که پدرم به من آموخت.

۶. تملک مهریه در فقه

مستند مشهور فقها در مسئله تملک مهریه، علاوه بر روایات، آیه شریفه:

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَاقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: آیه ۲۴) می باشد که حکم این آیه مطلق است و بنابر این نظر هر گاه قبل از نزدیکی طلاق اتفاق بیفتد، زوجه موظف است که چنانچه تمامی مهر را دریافت داشته، نیمی از آن را به زوج بر گرداند و اگر هنوز مهر پرداخت نشده، فقط نیمی از آن را استحقاق خواهد داشت.

۱-۶. مهریه همسران پیامبر (ص)

در رابطه با مهریه همسران رسول خدا (ص)، آنچه که متواتر است پانصد درهم و یا با اندک تفاوت نقل شده است. راجع به مقدار مهریه همسران پیامبر (ص) از عایشه سؤال می شود وی در جواب می گوید:

«فَتِلْكَ خَمْسُ مِئَةٍ دَرَاهِمٍ، فَهَذَا صَدَاقُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لِأَزْوَاجِهِ،

میزان مهریه های آنان پانصد درهم بود. این مقدار مهریه ای بود که پیامبر (ص) برای همسرانش قرار داده بود.

امام صادق (ص) در باره مهریه زنان و دختران پیامبر (ص) می گوید که:

«ما تزوج رسول الله (ص) شیئا من نسائه و لزوج شیئا من بناته علی اکثر من اثنتی عشرة اوقیه و نصف؛

هیچ گاه مهریه زنان پیامبر (ص) و دختران آن حضرت بیش از دوازده اوقیه و نصف نبود».

در جای دیگر می فرماید:

«سَأَقِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى إِلَيْهِ أَزْوَاجَهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَوْقِيَةً وَ نَشَأَ وَ الْأَوْقِيَةُ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا وَ النَّشْ نِصْفُ الْأَوْقِيَةِ عِشْرُونَ دِرْهَمًا فَكَانَ ذَلِكَ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ قُلْتُ بَوَّزْنَا قَالَ نَعَمْ، (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷۶، حدیث ۲)؛

مهریه فرستاده خدا به همسرانشان، دوازده اوقیه و نیم بود».

از بررسی سیره رسول خدا (ص) در باره مهریه همسرانشان معلوم شد که حضرت مهریه همگی را به یک اندازه قرار داده است. حضرت حتی به ام حبیبه که در عالم غربت و به دور از اقوام زندگی می کرد که قطعا به پول بیشتری نیاز داشت، نیز همان مهریه را می فرستد که به دیگران داده بود.

۲-۶. مهریه فاطمه زهرا سلام الله علیها

هنگامی که پیامبر (ص) فاطمه (س) را به ازدواج علی (ع) در آورد به علی (ع) فرمود: علی جان حالا که می خواهی همسرت را ملاقات کنی باید این دیدار، همراه با تحفه و هدیه (مهریه) باشد تا زندگی شما شیرین تر و محبت آمیزتر گردد.

علی (ع) در جواب پیامبر (ص) می گوید: یا رسول الله چیزی که لیاقت و شایستگی زهرا را داشته باشد، ندارم. پیامبر (ص) می گوید: زره حطمیه کجاست؟ جواب می دهد که نزد من است. حضرت می فرماید که قیمت همان را به فاطمه بدهید.

۷. زمان پرداخت مهریه در اسلام

پیامبر (ص) مهریه ام حبیبه را زودتر از موعود، در شرایطی که به آن سخت نیاز داشت پرداخت نمود. ابن عباس می گوید:

«لَمَّا زَوَّجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاطِمَةَ عَلِيًّا قَالَ لَهُ النَّبِيُّ أُعْطِهَا شَيْئًا قَالَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ قَالَ فَأَيْنَ دَرْعُكَ الْحُطْمِيَّةُ قَالَ عَلِيٌّ عِنْدِي قَالَ فَأَعْطِهَا إِيَّاهَا، (عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، ج ۱۱، ص ۴۵۳)؛

هنگامی که پیامبر (ص) فاطمه را به ازدواج علی (ع) در آورد به علی گفت: علی جان حالا که می خواهی همسرت را ملاقات کنی باید این دیدار، همراه با تحفه و هدیه (مهریه) باشد. تا زندگی شما شیرین تر و محبت آمیزتر گردد. علی (ع) در جواب پیامبر (ص) می فرماید: یا رسول الله چیزی که لیاقت و شایستگی زهرا را داشته باشد ندارم. پیامبر (ص) می گوید: زره حطمیه کجاست؟ جواب می دهد که نزد من است. حضرت می فرماید که قیمت همان را به فاطمه بدهید.

پس معلوم شد که پیامبر (ص) و ائمه (ع) مهریه همسرانشان را در اول زندگی تقدیم می کردند.

امام حسین (ع) می فرماید که:

«أَنَا نَزَّوَجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مَهْرَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷۶)؛

ما در همان ابتدای ازدواج، مهریه همسران مان را پرداخت می کنیم».

پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به عشق و احساسات پاک شریک زندگی جدید احترام می گذاشتند و آن را ابراز می کردند. با مهر و عشق مهریه را به صورت نقدی اهداء می نمودند. پس بر ماست که در زندگی معصومین (ع) دقت نماییم و راز و رمزهای استحکام خانواده را بیاموزیم.

۸. فلسفه مهریه زن در نظام حقوقی اسلام

در رابطه با فلسفه مهریه، در هیچ جای قرآن و سنت چنین فلسفه ای برای مهریه، که بهایی برای زن است، بیان نشده است بلکه قرآن تصریح می کند که مهریه، عنوانی جز عطیه و پیشکشی ندارد.

بعلاوه اسلام قوانین اقتصادی خود را آن چنان تنظیم کرده که مرد حق هیچ گونه بهره برداری اقتصادی از زن ندارد. در این صورت چگونه می توان مهریه را به عنوان قیمت زن یاد کرد.

مطلب دیگر اینکه اگر نظر اسلام این بود که مهریه یک وثیقه مالی است، چرا در قرآن کلمه «نِحْلَةٌ» آمده است، نه کلمه وثیقه. قرآن کریم و روایات معصومین (ع) رسوم جاهلیت را در باره مهریه منسوخ کرد و آن را به حالت اولی و طبیعی برگردانید. در جاهلیت پدران و مادران، مهریه را به عنوان «حق الزحمه» و «شیریه» حق خود می دانستند و از طرف دیگر مهریه دختر را متعلق به خود می دانستند نه به دختر.

در روایات اسلامی آمده که پدر نه تنها حقی به مهریه ندارد، بلکه اگر در عقد ازدواج برای پدر به عنوان امری جداگانه از مهر چیزی شرط شود و مهر به خود دختر داده شود باز هم صحیح نیست.

قرآن کریم و روایات معصومین (ع) هر آنچه که موجب تضییع مهریه زنان می شد را رد کرده، از آن جمله اینکه وقتی که مردی نسبت به زنش دلسرد و بی میل می شد او را در شکنجه و مضیقه قرار می داد و هدفش این بود که او را به طلاق راضی کند تا تمام یا قسمتی از آنچه به عنوان مهریه به او داده یا بر عهده گرفته پس بگیرد یا زن از آن صرف نظر کند. قرآن کریم فرمود:

«وَأَتَعَضُّوهُنَّ لِيَتَّذِرْنَ بَعْضَ مَا تَيْمَمُوهُنَّ» (نساء: آیه ۱۹)؛

و بر آنان سخت گیری و بهانه جویی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده اید به جور بگیرید.

یعنی زنان را به خاطر اینکه چیزی از آنها بگیرید و قسمتی از مهریه که به آنها داده اید جبران کنید تحت مضیقه و شکنجه قرار ندهید.

اسلام مهریه را به عنوان پشتوانه محکم حقوق اجتماعی زن که حق مسلم او بوده، تبیین کرده است در حالی که در عصر جاهلیت هیچ گونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند. جایگاه مهریه در اسلام از دیدگاه پاره ای از مفسران عبارت است از «چیزی به عنوان خسارت برای زن و وسیله ای برای تامین زندگی آینده او و به شکل اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد قرار داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۲۹۸).

۹. مهریه در عصر حاضر و انتظار از جوانان

متأسفانه در عصر حاضر یکی از مشکلات در مبحث نکاح تعیین مهریه های سنگین از سوی برخی خانواده ها است که این امر یعنی کلان بودن میزان این هدیه، بار معنوی آن را تقریباً زایل می کند و به آن وجه ای کاملاً مادی می بخشد. در حالی که مادر بحث فلسفه مهریه بیان کردیم که مهریه ارزش قدسی و معنوی دارد. در سال های اخیر میزان مهریه به صورت نامتعارف و غیر منطقی و بدون هیچ مبنایی افزایش پیدا کرده است تا حدی که این معضل در میان بیشتر خانواده ها حتی در شهرهای

کوچک و برخی روستا ها به یک آداب و رسوم تبدیل شده است. هرچند این فرایند بدون هیچ دلیل منطقی و گاه به خاطر ضعف فرهنگی، پائین بودن میزان آگاهی و نداشتن شناخت صحیح از اصل مهریه یا صداق، ایجاد شده اما به نظر می رسد به عنوان مسأله ای مهم و قابل تأمل باید بررسی شود.

نتیجه گیری

مهریه وسیله ای برای لذت بخش نمودن زندگی و عامل قوی برای الفت بین زن و شوهر است. قانون گذار، مهریه را برای جبران نقص ارث زن و جلوگیری از طلاق های بی مورد و اثبات پایداری و علاقه مرد به اتحاد با زن مقرر کرده است. تعبیری که قرآن از مهریه نموده، صداق است صداق بی شک ضمن آن که متضمن بار حقوقی است پایه ای کاملاً اخلاقی دارد زیرا موید صداقت و ابراز وفاداری زوج در برابر زوجه است. مرتضی مطهری برای توجیه فلسفه ی مهریه در شریعت اسلامی از علم روانشناسی مایه گرفته و گفته: « مهر از آن جا پیدا شده که در متن خلقت، نقش هر یک از زن و مرد در مسأله عشق مغایر نقش دیگری است قانون خلقت، جمال و غرور و بی نیازی را در جانب زن، و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است و همین موجب شده که همواره مرد از زن خواستگاری کند. و عطیه و پیشکشی از او به عنوان نشانه ای از صداقت او دریافت دارد.

آیت الله جوادی آملی هم مهریه را ارزش قدسی دانسته و می فرمایند که: «منشأ این گونه از امور مادی یعنی مهریه همانا حقیقت های ملکوتی است و جریان نکاح زن و مرد صبغه ازدواج بهشتیان با حورالعین را دارد».

بیشتر کارشناسان معتقدند دولت برای جلوگیری از تعیین مهریه های نامتعارف و سنگین باید از راهکارهای ایجابی استفاده کند. به صورتی که با ارائه تسهیلات و امکانات ویژه و اقدام های تشویقی و ترغیبی، خانواده ها را به سمت ازدواج های ساده با در نظر گرفتن مهریه های متعارف و منطقی هدایت کند. اسلام عقیده دارد که مسابقه در ازدیاد مهریه، زندگی را بر مردم سخت می کند و مشکلات زیادی را به وجود می آورد لذا باید با ایجاد تسهیل در امر ازدواج، جوانان را به تشکیل خانواده متمایل نمود تا از هزاران مفاسد اجتماعی و امراض روحی جلوگیری شود. مهریه های سنگین بنیان اقتصادی داماد را در آغاز زندگی نوین متزلزل و سست می کند، به محبت و صفای زن و شوهر لطمه می زند و جوانان را به ازدواج بی رغبت می کند. رسول گرامی اسلام برای اینکه عملاً به مردم بفهماند که مهریه های سنگین به صلاح واقعی آنان نیست، دختر عزیزش را با مهر کم به عقد علی (ع) در آورد، حتی به عنوان دین هم چیزی بر عهده او قرار نداد. امید آنکه جوانان ما نیز با الگو گرفتن از قرآن کریم و روایات معصومین (ع) در همه شئون زندگی با خوشی و آرامش، زندگی پر از معنویت و ایمان را سپری کنند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای
۲. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام
۳. صحیفه سجادیه، ادعیه امام سجاد (ع)، ترجمه عباس عزیزی، انتشارات صلا، چاپ چهارم ۱۳۸۴.
۴. امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، انتشارات شفق، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸.
۵. جلیلی، محمد رضا، جایگاه زن در اسلام و یهودیت، انتشارات دستان، چاپ اول ۱۳۸۳.
۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، انتشارات اسراء، چاپ هشتم، مرداد ۱۳۸۲.
۷. حرّ عاملی، حسن بن محمد، تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ إِلَى تَحْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.

۸. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، موسسه مطبوعاتی، قم ۱۳۸۴.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۶ق.
۱۰. ربانی خلخالی، علی، زن از دیدگاه اسلام، انتشارات حجت، قم ۱۳۹۹ق.
۱۱. زمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۲. صدوق، ابی جعفر، من لا یحضره الفقیه، دارالاضواء، بیروت، لبنان، چاپ ششم، ۱۴۰۵ق.
۱۳. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۱۴. عاملی جبّعی، زین الدین (شهید ثانی)، اللمعه الدمشقیه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۲م، چاپ دوم.
۱۵. علائی رحمانی، فاطمه، زن از دیدگاه نهج البلاغه، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۹ش.
۱۶. فهیم کرمانی، مرتضی، چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، انتشارات یلدا، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵.
۱۸. کاظمی خلخالی، زین العابدین، کلیات حدیث قدسی، تهران، دهقان، ۱۳۸۰ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، انتشارات دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ق.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، انتشارات علوم اسلامی، چاپ ششم، پاییز ۱۳۷۶.
۲۲. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، انتشارات شفق، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامی، تهران، چاپ ۲۷، ۱۳۷۸.
۲۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ش، چ چهارم.